

نوشته‌ی
رونالد رایت

تله‌ی پیشرفت

پژوهشی در زمینه‌ی زیست‌محیطی
فروپاشی تمدن‌های باستانی

ترجمه‌ی
محسن صفاری



میرشناسه: رایت، رونالد، ۱۹۴۸ م

Wright, Ronald

عنوان و نام پدیدآور: تله‌ی پیشرفت: پژوهشی در زمینه‌های زیست‌محیطی فروپاشی تمدن‌ها، استاز / سنده رونالد

رایت؛ ترجمه‌ی محسن صفاری

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۲۰۲ ص

شابک: ۸-۰۵۳۹-۰۱-۶۲۲-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: A short history of progress, 2005

موضوع: پیشرفت - تاریخ

موضوع: Progress - History

شناسه‌ی افزوده: صفاری، محسن، ۱۳۲۸، مترجم

رده‌بندی کنکره: CB1۵۱

رده‌بندی دیویی: ۳۰۲/۴۴۰۹

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۸۱۷۴۳۹

رده‌بندی نشرچشمه: علوم انسانی - علوم زیستی

تله‌ی پیشرفت

پژوهشی در زمینه‌های زیست‌محیطی، فروپاشی تمدن‌های باستانی

رونالد رایت

ترجمه‌ی محسن صفاری

ویراستار: حسن مرتضوی

مدیر هنری: مجید عباسی

همکاران آماده‌سازی: ناهید شادیده، زهرا بازبان شترانی

ناظران تولید: سارنگ مؤید، میثم باقری

چاپ و صحافی: دارا

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشرچشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۰۱۰-۱۳۹۰

دفتر مرکزی نشرچشمه: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتابفروشی نشرچشمه‌ی کریم‌خان: ران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتابفروشی نشرچشمه‌ی کوش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کوش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ —
کتابفروشی نشرچشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فردوس، نبش بزرگراه نیاپیش، خیابان
حافظی، نبش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۹۲۴۵۵ — کتابفروشی
نشرچشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۰۵۷۱-۳۲۲۴۰۱۱ —
کتابفروشی نشرچشمه‌ی کارگر: تهران، کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم،
پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتابفروشی نشرچشمه‌ی پریس: تهران، خیابان پاسداران، نبش پاسان
یکم، مجتمع پریس، طبقه‌ی دوم. تلفن: ۹۱۰۰۱۲۵۸ — کتابفروشی نشرچشمه‌ی درخشان: مشهد،
بلوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد ۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

تلفن بخش کتاب چشمه: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

۹

یادداشت مترجم

۱۷

فصل یکم

پریش‌های گوگن

۴۵

فصل دوم

آزمون بزرگ

۷۱

فصل سوم

بهشت ابلهان

۹۷

فصل چهارم

کلاهبرداری‌های هرمی

۱۲۵

فصل پنجم

شورش ابزار

۱۵۳

یادداشت‌ها

۱۸۷

منابع

۱۹۵

نمایه

یادداشت مترجم

ها پس از آن که آخرین درخت جان سپرد و آخرین رودخانه سبی شد و
آخرین ماه، دام افتاد، آن گاه درمی یابیم نمی توانیم پول بخوریم.
پندی از بومیان کری^۱

در نخستین کتابی که درباره‌ی بحران محیط زیست ترجمه کردم و
مدتی پیش در ایران انتشار یافت^۲، نویسنده، جان بلامی فاستر^۳، شرحی
از پژوهش خود در تاریخ اقتصادی محیط زیست آورده است. او پس از
بررسی اجمالی وضعیت محیط زیست جوامع پداس-پایه داری به بحران
زیست بومی در نظام معاصر سرمایه داری و نظام اتحاد جماهیر شوروی
می پردازد، عوامل و ریشه های بحران جهانی محیط زیست، جاره ها و
نمودهای این بحران در آب، خاک و هوا، و راه های مهار و برین، و از
آن را به بحث می گذارد.

در کتابی که هم اکنون در دست دارید، رونالد رایت^۴، با تکیه بر
آخرین اکتشافات، داده ها و فرضیه های باستان شناسی، پژوهش خود را به
سیروسفری چند هزار ساله، از آغاز زندگی انسان مدرن و پیدایش تمدن تا

1. Cree natives

۲. زمین سیاره‌ی آسیب پذیر، تاریخ اقتصادی کوتاهی از محیط زیست، جان بلامی فاستر، ترجمه‌ی محسن صفاری،
انتشارات جهان ادیب، تهران، ۱۳۹۵.

3. John Bellamy Foster

4. Ronald Wright

دوران معاصر، اختصاص داده است. او تشریح می‌کند که چگونه انسان در تلاش خود برای پیشرفت، در دام آن‌چه او «تله‌ی پیشرفت» می‌خواند گرفتار شده و همه‌ی دستاوردهای خود را در دوره‌های مختلف تاریخی و در جای‌جای کره‌ی خاکی از کف نهاده، یا دچار ضربات مهلک بحران زیست‌بومی کرده است.

رایت ابتدا تمدن‌های جزیره‌ی کوچک ایستر، میان‌رودان (بین‌النهرین)، سومر، مایا، روم و سپس تمدن‌های مصر و چین را کندوکاو می‌کند. آماج او در این کندوکاو عوامل و ریشه‌های فروپاشی این تمدن‌هاست. این روپاشی در تمدن‌های جزیره‌ی کوچک ایستر، میان‌رودان و سومر چنان بود که دیگر هرگز امکان نوزایی جوامع‌شان در طول تاریخ فراهم نشد. در دوره‌ی دیگر، تمدن‌های مایا و روم، آن‌گونه که نویسنده می‌گوید، جوامعی برآمدند از آن‌ها خود را به دوران مدرن کشاندند. او در این میان دو تمدن مصر و چین را انتخاب می‌داند. نخستین تمدن به کمک خاک رسوبی دریافتی، خاکی که رود نیل به آن رسیده، به از سرزمین‌های افریقایی بالادست می‌آورد، و دومی به کمک لایه‌های بادآورده‌ی ستبر و بارور روی خاک، با فرسودگی هر لایه، به لایه‌ی دیگری دست یافتند و توانستند به زندگی خود ادامه دهند.

آن‌چه نویسنده در کندوکاو خود در فروپاشی تمدن‌های باستانی برای ما به تصویر می‌کشد این است که عامل تعیین‌کننده در این فروپاشی‌ها رویکرد تخریبی انسان به زیست‌بوم خود، جنگل‌زدایی، باروری زمین، و از این‌رو نابودی کشاورزی به مثابه‌ی تأمین‌کننده‌ی اصلی معیشت طبقات فرودست و ثروت و قدرت فرادستان و فرمانروایان بوده است. رایت هشدار می‌دهد که اگر انسان نه‌تنها در دوران مدرن بلکه از همان آغاز پیدایش تمدن با رویکردی تخریبی به طبیعت، فروپاشی تمدن خویش را رقم زده است، اینک که با بیش از هفت میلیارد نفر جمعیت در دهکده‌ای جهانی زندگی می‌کنیم و بر همه‌ی پهنه‌ی کره‌ی زمین گسترده‌ایم، ابعاد فاجعه‌ی فروپاشی می‌تواند به گستردگی تمامی کره‌ی زمین باشد.

خواندن و سپس ترجمه‌ی کتاب رونالد رایت میدان دیدم در مورد

بحران محیط زیست را گسترده‌تر کرد و آن را افقی تاریخی بخشید. اما در همان حال دو پرسش را پیش رویم نهاد: نخست آن که چرا در پژوهش و کندوکاو نویسنده هیچ نام و اثری از تمدن‌های باستانی فلات ایران نیست؟ تمدن‌هایی که بسیار دیرینه بودند و باستان‌شناسان ایرانی و غربی دست به کاوش‌های باستان‌شناسی زیادی در آن‌ها زدند. می‌توان از تمدن شوش، پایتخت امپراتوری باستانی عیلام، با دیرینگی ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد، تمدن سلیک نزدیک کاشان با دیرینگی ده‌هزار سال، تمدن گوهرتپه، شهر «وسعت پنجاه هکتار، با دیرینگی ۱۸۰۰ تا ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد، تمدن مارلیک گیلان با دیرینگی سه‌هزار سال پیش از میلاد، شهر سوخته از آثار باستانی تمدن جیرفت، که تمدن آراتا نیز گفته شده، با دیرینگی بیش از پنج هزار سال، تمدن شهداد، یک شهر عصر مفرغی و مرکز یکی از ایالت‌های حوضه امپراتوری عیلام، با دیرینگی شش هزار سال به عنوان نمونه‌هایی یاد ۵ دادند. ^۲ در مقاله‌ای در مجله‌ی باستان‌شناسی درباره‌ی شرق ایران می‌گوید: «روشن‌ها، خاک‌برداری‌ها و تصاویر ماهواره‌ای جدیدتر آشکار می‌کنند که تمام شرق ایران، از نزدیک خلیج فارس در جنوب تا حاشیه‌ی شمالی فلات ایران، شامل صدها و شاید هزاران زیستگاه کوچک و بزرگ انسانی بود. تحلیل زمان‌گامی جزئیات اشیاء و ابزار و استخوان‌ها و موهای باقی‌مانده‌ی انسان نشان می‌دهد که زندگی مردمانی خلاق را در دسترس ما می‌گذارد، مردمانی که از بزرگان گذاران نخستین شبکه‌ی جهانی تجارت بودند.»^۳

پرسش دوم این بود که آیا ارتباطی بین فروپاشی این تمدن‌ها و با فروداشت و تخریب محیط زیست وجود دارد؟ آیا در پژوهش‌های باستان‌شناسی و مطالعات تاریخی درباره‌ی این تمدن‌ها چنین ارتباطی کندوکاو شده است؟

۱. داده‌های مربوط به دیرینگی تمدن‌ها همه از ویکی‌پدیای فارسی نقل شده است. - م.

2. Andrew Lawler

3. Andrew Lawler, *The World in between*, ARCHAEOLOGY, A publication of the Archaeological Institute of America, Volume 64 Number 6, November / December 2011.

بی‌تردید پاسخ به این پرسش‌ها نه کار مترجم علاقه‌مند به محیط زیست، که کار پژوهشگران و صاحب‌نظران زمینه‌های پژوهشی مرتبط است. اما کنجکاویم در این مورد و دسترسی اتفاقی به نوشته‌ای درباره‌ی تمدن شهداد، مرا به جست‌وجوی بیش‌تری درباره‌ی این تمدن کشانید که حاصل آن دسترسی و مطالعه‌ی گذرای نتایج برخی پژوهش‌های انجام‌شده‌ی باستان‌شناسی در مورد تمدن «خیص» یا شهداد کنونی بود. در این زمینه به کتابی از علی حاکمی، باستان‌شناس و سرپرست کاوش‌های باستان‌شناسی در شهداد کرمان در سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۵، و مقاله‌ای از میرعلین کابل، سرپرست پسین هیئت باستان‌شناسی کاوش در شهداد در سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، نگاه کردم.

علی حاکمی در کاوش‌های خود به این باور رسیده است که در آن منطقه عامل انسانی نقشی در خور اعتنا در تخریب منابع طبیعی ایفا کرده است. او در کتاب خود می‌گوید: «... از زمانی که انسان در این مکان سکونت اختیار کرد، و به تشکیل فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی همت گماشت که از دوران مفرج بجز نمی‌کند، این اقوام به سبب احتیاج روزانه، به محیط گیاهی و حیوانی اطراف سکونت خویش لطمه زده و به طور ناخودآگاه با کمک عوامل مخرب طبیعی به نابودی محیط زیست خود کمک کرده‌اند. روی این اصل استفاده‌ی بی‌بریه از منابع طبیعی در مدت چند هزار سال به طور یقین سریع‌تر از تحولات زمین‌شناسی در منطقه اثر گذاشت. در دشتی که اکنون سیمای بیابانی خشک و قدحیات را دارد، از آن‌همه جنگل‌های انبوه و درختان گزو کهور و کشرارهای سبز و قنات‌های دایر جز ناهمواری‌های ناموزون و آب‌روهای انباشه از ماسه چیز دیگری بر جای نمانده است.»^۱ اما میرعابدین کابلی، درحالی که به عامل انسانی در تخریب محیط زیست اشاره می‌کند، سهم عوامل طبیعی مانند بادهای موسمی ۱۲۰ روزه‌ی کویر لوت و سیلاب‌های رودخانه‌ی

۱. «گزارش هشت فصل بررسی و کاوش در شهداد (دشت لوت)»، ۱۳۵۴-۱۳۴۷، تألیف علی حاکمی، به کوشش محمود موسوی، پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی، ۱۳۸۵، ص ۶۵.

درختنگان را عامل اصلی در این میان می‌داند و بر این باور است که تخریب محیط زیست به وسیله‌ی انسان راه این عوامل را هموار کرده است. او نوشته است: «علت پیش‌روی کویر و زش باد‌های موسمی جنوب غربی، یا باد‌های ۱۲۰ روزه است که در جریان خود خاک و ماسه را از درون کویر به حاشیه می‌راند... در گذشته، وجود درخت‌زارها و جنگل‌های گز و کهور و تاغ به جلوگیری از پیشرفت کویر کمک می‌کرده، اما قطع بی‌یهی درختان مذکور و فرسودگی جنگل‌ها پیش‌روی کویر را سرعت بخشیده است»^۱.

البته برای پاسخ مشخص‌تر در مورد چگونگی تخریب محیط زیست و نقش آن، در فرایند سیاسی تمدن‌های پیش از تاریخ فلات ایران باید در انتظار پژوهش‌های بیشتر در این زمینه بود. امید می‌رود در سال‌های پیش رو، با توجه به اندازها و عمق تخریب محیطی و تجلی عمده‌ی آن در کشورمان یعنی بحران آلودگی آب و بیابان‌زایی، بیداری زیست‌محیطی در ایران و افزایش نیاز به تربیع‌نگری زیست‌بومی، این پروژه‌ها نیز افزایش یابند.

در ترجمه‌ی این کتاب، به روال گذشته، کوشیده‌ام با استفاده از منابع جدید، ضمن دوری از مطلق‌گرایی در تغییر لغات رایج عربی در زبان فارسی، از برابر نهاده‌های جدیدی که به طور نسبی در زبان فارسی رایج شده و کاربرد دارند استفاده کنم. هر جا که ضرورت درج لغات جدیدتر موضوع یا رفع ابهام احتمالی ایجاب می‌کرد، اصل لغات را با معنی رایج در زبان انگلیسی در پانویست صفحه‌ها آورده و در برخی موارد توضیحی را نیز افزوده‌ام. از این رو همه‌ی پانویست‌های موجود در صفحه‌ها از آن متعین است. همچنین، همه‌ی شماره‌های پی‌نوشت‌ها را در (۱) آورده‌ام.

ترجمه‌ی کتاب تله‌ی پیشرفت و امیدار دوستانی است که در انجام این کار مرا یاری کرده‌اند. دوست گرامی، دکتر پیمان وهاب‌زاده، مرا با

۱. «شه‌داد، تجلیگاه فرهنگ ایران در هزاره‌ی سوم پیش از میلاد»، میرعابدین کابلی، انجمن فرهنگ ایران باستان، دوره‌ی سیزدهم، ۱۳۵۳، شماره‌ی ۱۶، ص ۳۴.

این کتاب آشنا کرد. او که از این کتاب به عنوان یکی از منابع تدریس در کلاس های خود در دانشگاه ویکتوریا استفاده می کند، به درخواست من نسخه ی ترجمه شده را مطالعه کرده و با دقت و حوصله ای کم نظیر بسیاری از نارسایی های ترجمه و تایپ را بر من وانمود. دوستان عزیز، منصور شمعدانی و محمد صفوی، همچنین پسرم سیاوش در این کتاب نیز کار ویراستاری را به عهده گرفته، نکات ریز و درشت ارزنده ای را خاطر نشان کردند. در پایان از یاری آقای حسن مرتضوی برای ارائه ی کتاب به شکل کنونی بهره مند شدم. از مهر و زحمات همه ی این دوستان سپاس گزارم.
داشت خود را با شعر زیبایی در بزرگداشت طبیعت به پایان می برم:

میراث

در به جهان می گشایم مر سپیده ده
در انتظار، در شگفتم
کیست آن که به پیشوازم آید نخست،
آن گاه که با چشمانی
هنوز ژرف نگر از رؤیا
می نهم گام بر زمین.
درخت کاج است
یا مرغ خوش آوای نشسته بر آن؟

کیست در کنارم
آن گاه که در تالاب می زنم زانو،
می گذرم از دل جنگل، از چمنزار.
آیا آن سارا،
تالاب، جنگل، چمنزار را در می یابم؟
و آن ها مرا...؟

گذر روزگار، هرگز، در تنهایی نیست.
دم و بازدم، هرگز، مگر دادوستدی
با جان‌های دگر نیست.

چندی است، از این‌رو،
می‌سپرم دل به سودایی،
با دوستگی دوسویه‌ای،
بدان دهم آهوی ماده را «سلام بانوی زیبا»،
می‌فشارم دست بر درخت پیدمشک،
می‌شوم عرق‌انگشته، همنشین قورباغه‌ای

این‌گونه‌ام نوآموز آستان عشق،
آموختن سخن با واژه‌های رفت و بر باد،
واژه‌هایی که هر چیز زنده را
معجزه‌ای ناب می‌شناسند.

آن‌گاه، روزی که دگر،
در شوق دیدار این جهان زیبا،
تنم را گذر از دری نیاید،
دعا می‌کنم جوانی
گام نهد بر آستان آن زندگان،
سرشار کند سینه را
ز نسیم سپیده‌دم
و بیندیشد
این میراث من است.